

فصل چهارم

تربیت شنوایی

الف) دانستنی‌های معلم

نیاز به تربیت شنوایی

انسان بخش عظیمی از آگاهی‌های خود را در طول حیاتش از طریق صداهایی که می‌شنود، به دست می‌آورد. لذا بهتر است از همان اوان کودکی، مبانی تربیت شنوایی به صورتی تدریجی و مبتنی بر اصول مشخص روان‌شناسی به او آموخته شود. هدف بخشی از درس هنر دوره ابتدایی، تربیت حس شنوایی دانش‌آموزان است. تربیت شنوایی با شناخت، جداسازی و انتخاب اصوات مفید در محیط آغاز می‌شود. این انتخاب آگاهانه و روش‌های آن برای هر گروه سنی و هر سطح فرهنگی متفاوت است. برای این که دستگاه شنوایی و نظام ذهنی و روانی فرد، آمادگی شنیدن آگاهانه اصوات زیبا را پیدا کند و فرد بتواند نوع سالم اصوات را باز شناسد و با رفتاری درست، آلودگی‌های صوتی موجود در محیط زندگی را کاهش دهد، لازم است تربیت شنوایی از دوران کودکی آغاز شود. عادت به شنیدن اصوات سالم، روح را آرامش و اطمینان می‌بخشد، حافظه را تقویت می‌کند، تفکر را توسعه می‌دهد و در یادگیری و در نهایت، تأمین سلامت روانی فردی و اجتماعی در کودکان نقش مؤثری دارد.

در دوره ابتدایی، تربیت شنوایی از گوش دادن آگاهانه به اصوات طبیعت آغاز می‌شود و به خواندن شعرهایی از کتاب‌های فارسی می‌رسد که با الهام از طبیعت و با اتکا به دین و آیین مرسوم و مقبول مردم ایران ساخته و اجرا شده‌اند. کودکان در حالت طبیعی و سلامت روانی، از صداهای زیبا لذت می‌برند. درک کردن صداهای طبیعت (صدای پرندگان، آب، باد و...) و لذت بردن از آنها امری فطری است ولی در مورد صداهایی که انسان تولید می‌کند، نظیر انواع موسیقی، پیش از آن که طبیعی و فطری باشد، انگیزه‌های محیطی دخالت دارد.

اگر تربیت شنوایی به درستی انجام پذیرد:

- ۱- حس زیبا دوستی و زیباشناسی پرورش می‌یابد؛
- ۲- روحیه تعالی جویی و کمال طلبی توسعه می‌یابد؛
- ۳- تلطیف روحیه صورت می‌گیرد و شادی و نشاط همراه با آرامش ایجاد می‌شود؛
- ۴- توانایی تمرکز افزایش می‌یابد؛
- ۵- دقت شنوایی و نظم ذهنی بیشتر می‌شود؛
- ۶- حافظه شنیداری رشد می‌کند؛
- ۷- هوش موسیقایی توسعه می‌یابد؛

۸- ذائقه شنوایی زیبا پسند می‌شود؛

۹- تخیل تقویت می‌شود و تفکر توسعه می‌یابد؛

۱۰- مفهوم درک زیبایی از شنیده‌ها عینیت می‌یابد؛

۱۱- آلودگی‌های صوتی در محیط کاهش می‌یابند.

کودکان صداهای زیبا را دوست دارند و از شنیدن و تقلید کردن آنها لذت می‌برند؛ از این رو، می‌توان با جلب توجه ایشان به اصوات و نغمه‌های زیبای طبیعت، به آنها در تربیت شنوایی خویش و شناخت هر چه بهتر هنرهای شنیداری (اولین هنری که انسان از بدو تولد با آن آشنا می‌شود) کمک کرد تا از آثار آن در موقعیت‌های مختلف زندگی و به‌ویژه، افزایش دقت، تمرکز و ارتقای یادگیری‌های دیگر، بهره‌مند شوند.

تعریف اصطلاحات

● **صوت (صدا) :** موجی مکانیکی است که بر اثر ارتعاش اجسام تولید می‌شود، در هوا انتشار می‌یابد و پس از رسیدن به گوش، به وسیله اندام‌واره‌ها و حس شنوایی شنیده می‌شود. امواج مکانیکی با بسامدهای مختلف در محیط منتشر می‌شوند و گوش سالم انسان، بسامدهای بین ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ هرتز را می‌تواند بشنود.

● **حس شنوایی :** گوش، اندام حس شنوایی است و از سه قسمت اصلی شامل گوش خارجی، گوش میانی و گوش داخلی تشکیل شده است. منظور اصلی ما از تقویت حس شنوایی، رسیدن به درک و شنیدن واقعی است که به بخش‌های برتر فهم و ادراک می‌رسد و از آن به عنوان «گوش جان» تعبیر می‌شود. صدا باید از مجرای اولیه - که گوش است - عبور کند و به قسمت تحلیل‌گر مغز فرستاده شود. آن‌گاه با حس درونی (ادراکات فردی، بن‌مایه‌های فرهنگی - روانی فرد) در آمیزد تا لذت واقعی اصوات موزون، قابل درک باشد.

● **تربیت شنوایی :** در اطراف انسان، صداهای گوناگون بی‌شماری وجود دارد که او همه آنها را می‌شنود اما فقط به بعضی از آنها توجه می‌کند. انتخاب آگاهانه و شنیدن با توجه، گوش دادن است که معمولاً بر مبنای نیاز، کنجکاوی یا شناخت انجام می‌شود. در جریان تربیت شنوایی، کودکان یاد می‌گیرند که چگونه اصوات و نغمه‌های زیبا را بشناسند، از میان آنها، یکی را برای گوش دادن انتخاب کنند، دقت شنوایی خود را توسعه دهند، توانایی تمرکز خود را بر یک موضوع افزایش دهند و بهداشت شنوایی خود را رعایت کنند.

● **بهداشت شنوایی :** حاصل تربیت شنوایی است و به آرامش، اعتدال و هماهنگی روانی - رفتاری فرد در ارتباط با خود او، طبیعت و جامعه کمک می‌کند.

برای رعایت بهداشت شنوایی، دوری از آلودگی‌های صوتی ضروری است. آلودگی صوتی شامل هر نوع سر و صدای شدید، ناگهانی یا مداومی است که موجب آزار، مزاحمت و عصبانیت می‌شود، به دستگاه شنوایی آسیب می‌رساند و ناراحتی‌های عصبی و اختلال شنوایی را به وجود می‌آورد؛ از این رو تا حد ممکن، باید محیط را از سر و صدا دور نگه داشت یا از محیط آلوده صوتی دور شد.

۱- بخش‌های کوچک‌تر از یک اندام بزرگ‌اند و جزئی از آن به‌شمار می‌روند. مانند: چشم که عضو بزرگی است و مردمک اندام‌واره‌ای از آن به‌شمار می‌رود.

● **اصوات موزون:** از دیدگاه فیزیکی، صداهایی که امواج منظم، هماهنگ و متوالی دارند، اصوات موزون اند. این اصوات احساس مطبوع و خوشایندی را در شنونده برمی‌انگیزند. بنابراین تعریف، ذائقه شنیداری محصول تربیت شنوایی فرد، در ارتباط با اصوات موزون و مورد پسند در فرهنگ و زندگی اوست.

● **نغمه و وزن:** هر نوع موسیقی، از هر ملت و فرهنگی با دو عامل نغمه و ریتم شناخته می‌شود. طبیعت همواره می‌تواند برای انسان منبع الهام باشد. آشنایی انسان با موسیقی، نخست از طریق آشنایی با وزن بود و بعد از آن به تدریج نغمه‌ها را کشف کرد. انسان گاه از وزن و گاه از نغمه و گاه از ترکیبی از آنها، برای راحت تر کردن زندگی خود بهره گرفت.

● **ریتم (ضرب) و وزن:** وزن (ریتم) نه تنها پایه هر نوع موسیقی در میان همه ملل است بلکه به نوعی، از عوامل تشکیل دهنده جهان هستی به‌شمار می‌رود. عنصر وزن را به شکل‌های مختلف می‌توان در بیشتر پدیده‌های طبیعی جست‌وجو و مشاهده کرد. نزدیک‌ترین آنها، صدای ضربان قلب مادر برای فرزندش در دوران جنینی و پس از آن، صدای قلب خود ماست که از بدو تولد تا مرگ با ماست و هرگونه بی‌نظمی در آن، مساوی با خطر، بیماری و حتی مرگ است. انسان اولیه نخست با وزن‌ها آشنا شد؛ چرا که طبیعت سرشار از وزن‌های مختلف بود: صدای قدم‌های منظم اسب‌ها هنگام دویدن، صدای چک‌چک باران روی سطح صاف و... انسان اولیه وقتی از تأثیر روانی - احساسی وزن‌ها آگاه شد، استفاده و تقلید خود را از آنها گسترش داد. او به وسیله حنجره خود و ابزارهای ساده‌ای که به شکل اولین طبل‌ها و شیپورها (با استفاده از حجم‌های کاسه‌ای شکل و یا شاخ حیوانات) ساخته بود، برای اهداف مختلف (از جمله خبررسانی، اعلام جشن و شادی، ترساندن حیوانات وحشی و دور کردن آنها از محل زندگی خود، اعلام آمادگی برای مراسمی مثل جنگ، صلح، ازدواج و...) استفاده می‌کرد. تأثیر روانی و احساسی وزن‌ها باعث شد از آنها حتی در مراسم رژه نظامی یا «قدم رو» نیز استفاده شود. صف منظم و هماهنگ سربازانی که قدم رو می‌روند، نه تنها احساس قدرت و نیروی معنوی آنها را به خوبی نشان می‌دهد، بلکه این احساس را به بیننده نیز منتقل می‌کند. برای نواختن وزن‌های مختلف انواع طبل‌ها و سازهای «کوبه‌ای» در بین ملت‌ها و اقوام مختلف ساخته شده است.

تقسیم زمان به قسمت‌های مساوی و متوالی را ضرب (از ضربه زدن) یا ریتم گویند. وزن، واحدی است که براساس آن، انواع ضرب‌ها دسته‌بندی و نام‌گذاری می‌شوند. احساس تشخیص وزن، در تمام افراد بشر وجود دارد ولی دارای شدت و ضعف است. برخی افراد این احساس را بیشتر دارند و برخی کمتر، که با آموزش و تمرین می‌توان آن را تقویت کرد. به نظر می‌رسد کسانی که حس تشخیص وزن در آنها تربیت شده است، از زندگی منظم‌تری بهره‌مندند. جست‌وجوی عنصر وزن در صداهای مختلف، خود نوعی تمرین ذهنی برای ایجاد نظم فکری و آرامش روح است.

صداهای کمک می‌کنند تا بتوانیم مفهوم حرکت را هم در دنیای درون خویش (مانند نبض یا ضربان قلب) و هم در دنیای اطراف (مانند ریزش باران و چکیدن قطره‌های آب)، بهتر درک کنیم. تقسیم زمان به قسمت‌های مساوی و متوالی، نشان‌دهنده وجود حرکت است. توالی صداهای سکوت‌ها این حرکت را نشان می‌دهد؛ مانند تپش قلب، بال زدن پرنده و دویدن اسب. درک این حرکت بدون هم‌جواری صداهای سکوت‌ها امکان ندارد. فقط در بی‌حرکتی است که ترکیب صدا و سکوت وجود ندارد؛ یعنی هر صدا فقط با سکوت‌های پیرامونش و هر سکوت با صداهای پیرامونش قابل درک است.

دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، از طریق گوش دادن با انواع وزن و ریتم آشنا می‌شوند. در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی هم مانند پایه‌های اول تا سوم، هدف آموزش انواع سازها و موسیقی نیست. همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد وزن، عنصر اصلی و اساسی پایه‌ای هر نوع موسیقی در سراسر دنیاست. هنوز موسیقی بسیاری از اقوام کهن جهان، فقط بر پایه وزن‌های مختلف است و از نوا و نغمه در آنها اثری نیست.^۱ در موسیقی مذهبی ایران، از جمله در مراسم عاشورای حسینی، تکیه عمده روی وزن و سازهای کوبه‌ای است و جنبه نغمگی (ملودیک) خیلی کمتر مطرح است. آنچه در درجه اول اهمیت قرار دارد، اشعار اخلاقی و عرفانی است که وزن آنها هم پایه و منطبق با اوزانی است که سازهای کوبه‌ای می‌نوازند. در این برنامه، کودکان از ابتدای تربیت شنوایی با وزن آشنا می‌شوند و اشعار کتاب‌های درسی خود را با ریتم مناسب می‌خوانند.

● **نغمه یا آهنگ (ملودی):** نغمه‌ها صداها یا انتخاب شده با زیری (نازکی) و بمی (کلفتی) مربوط به خود هستند. نغمه‌ها نه تنها عامل مؤثر در بیان احساسات‌اند بلکه معرفی کننده روحیه، احساس و باورهای فرهنگ و ملتی هستند که این نغمه‌ها از آن برخاسته است.

در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان با سرودها و نغمه‌های ملی و محلی ناحیه خودشان آشنا می‌شوند. علت انتخاب سرودها و نغمه‌های ملی^۲ و محلی ایران در این برنامه درسی، این است که هر ملتی وارث تاریخ و تمدن خویش است و با آن زندگی می‌کند؛ به آن می‌بالد و برای حفظ آن می‌کوشد. تکرار مطالبی که حاوی اندیشه‌ها و باورهای یک ملت است، حس همدلی و نیروی پیوند بین مردم را تقویت می‌کند و آنها را از خطر نفوذ و حمله فرهنگی و در نتیجه حمله سیاسی، نظامی و ... بیگانگان در امان نگه می‌دارد. سرودهای ملی و محلی، مثل زبان ملی و زبان‌های بومی و مادری هر ملت و قوم، یکی از مظاهر میراث فرهنگی، سند هویت و شناسنامه فرهنگی آن ملت به‌شمار می‌آید و باید در حفظ و نگه‌داری و انتقال آنها کوشش بسیار شود. این وظیفه به عهده همه آحاد ملت است و آموزش رسمی، بخش عظیمی از آن را به عهده دارد. میراث فرهنگی و هنری در میان همه ملت‌ها و اقوام ریشه‌هایی عمیق دارد. وظیفه همه ما نیز حفظ این نغمه‌ها و سرودها به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران اسلامی است.

● **شعر و سرود:** در موسیقی‌های مشرق زمین، به ویژه ایران، سومین عامل مهم بعد از وزن و نغمه، کلام یا شعر است. فرهنگ موسیقی هر قوم یا ملتی در مشرق زمین و به‌خصوص ایران، از ترکیب آن با اشعار مناسب پدید می‌آید. انواع و اقسام سرودها، نوحه‌ها، مرثیه‌ها، روضه‌ها، ترانه‌ها و تصنیف‌ها که در حافظه مردم جای گرفته‌اند و بی در پی خوانده می‌شوند، محصول پیوند موسیقی با شعرند. مجموعه وزن‌ها، نغمه‌ها و اشعاری که طی تاریخ از دل مردم بیرون آمده و با سازهای مخصوص همان فرهنگ اجرا شده‌اند، شناسنامه و هویت فردی – هنرمندان خلاق آن و نیز هویت جمعی مردم یک جامعه را

۱- در این کشورها موسیقی‌سازی و ریتمیک بر موسیقی آوازی – کلامی غالب است. ایران نیز در گذشته‌های دور چنین بوده است.

۲- موسیقی ملی ایران در سمت و سوی فرهنگی بر تفکر تعالی طلبانه، توجه به معنویت و ایجاد حس زیبایی به وسیله نظم و تعادل عناصر تشکیل دهنده‌اش با سایر هنرهای سنتی ما هماهنگ است. نگاهی به سبک معماری ایرانی، نقش‌های قالی و گلیم ایرانی و حتی نقاشی ایرانی (نگارگری)، این هماهنگی را نشان می‌دهد.

نشان می‌دهد. این عوامل، میراث فرهنگی موسیقی هر قومی را تشکیل می‌دهد و لازم است به‌عنوان یک زبان مخصوص ادبی-هنری که از دل مردم برآمده شناخته شود و برای نگه‌داری و گسترش آن نیز کوشش به‌عمل آید.

هم‌خوانی اوزان شعری با ریتم‌های موجود در آواها، باعث هماهنگی و پیوستگی کلی بین این دو می‌شود و راه را برای بیان زیباتر هموار می‌سازد. از آن‌جاکه جایگاه شعر و شاعری نزد مردم ایران بسیار رفیع است و هر شعری وزن خاص خود را دارد و با وزن‌های موجود در نغمه‌های موسیقی قابل انطباق است، می‌توان از وجود وزن (عنصر مشترک) در شعر و سرود به‌عنوان یک عنصر آموزشی با تأثیرگذاری قوی استفاده کرد. از سوی دیگر، محتوای اشعار نیز عامل مؤثر و مهمی در پرورش عواطف کودک است. کودکان مفاهیم اشعار را همراه با نغمه‌های زیبا بهتر درک می‌کنند؛ به طوری که بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهایشان براساس این برداشت‌ها شکل می‌گیرند. ادبیات فارسی (نظم و نثر) گنجینه سرشاری از حکمت، ادب، اخلاق، ایمان و عرفان است که می‌توان متناسب با سن کودک، آنها را انتخاب و از آنها استفاده کرد. در جریان تربیت‌شنوایی نیز در صورت لزوم، از شعر استفاده می‌شود.

● **سرود کودک:** نغمه‌هایی است که هدف و مخاطب آنها کودک است و برای برقراری ارتباط میان کودکان و بزرگسالان یا سایر کودکان طراحی می‌شود.^۱ از مختصات این نوع سرود، جمله‌های کوتاه و دل‌نشین، سلامت و شفافیت، سهولت و روانی ملودی‌ها^۲ و ریتم‌ها و ایجاد روحیه شاد، با نشاط و آرام در مخاطبان است.

در این نوع تربیت‌شنوایی، مقصود از ارتباط برقرار کردن با کودک، پرورش توانایی‌های لازم برای زیستن در اجتماع، تقویت احساس شادی، نشاط و خلاقیت (ابداع) اوست. البته ذهن کودکان، به راحتی قدرت‌گیری ریتم‌ها، ملودی‌ها و ظرافت‌های پیچیده را دارد. آنچه اصوات و نغمه‌های زیبای کودکان را متمایز می‌کند، نوع ملودی‌ها، ریتم‌ها و کلام مناسب برای آنهاست.

● **وزن شعری و وزن موسیقایی:** وزن در شعر و موسیقی وجود دارد اما شکل آنها باهم متفاوت است. وزن در شعر فارسی قالب معینی است که به‌صورت بحرهای عروضی به کار می‌رود؛ نظیر وزن‌های مثنوی، رباعی و انواع دیگر شعر. وزن در موسیقی تقسیم زمان جاری به واحدهای مساوی و متوالی است. واحد زمان یک ثانیه است. در موسیقی می‌توان قطعه زمان مورد نظر را دوثانیه، سه ثانیه یا چهار ثانیه انتخاب کرد که معادل موسیقایی آنها دوضربی، سه‌ضربی و چهار ضربی خواهد شد.

در دوره ابتدایی، دانش‌آموزان با راهنمایی معلم خود شیوه درست نگه‌داری وزن اشعار فارسی را یاد می‌گیرند و در تمرین‌های فردی و گروهی، آنها را به حافظه می‌سپارند. از آن‌جا که موسیقی اصیل ایرانی تا حدود بسیاری وابسته به شعر است و موسیقی و شعر ما وزن‌های مشترک دارند، اگر دانش‌آموزان با اوزان شعری آشنا شوند، هم شعرها را درست می‌خوانند و هم زمینه آشنایی با موسیقی را پیدا می‌کنند. طبیعی‌ترین شیوه جداسازی کلمات بر حسب حین پایان وزن واژه شعری است نه بر اساس معنای کلمه. ملاک جداسازی صرفاً گوش است و لازم نیست حتماً یک کلمه باشد؛ زیرا این قطاع (قطعه‌ها) هستند که

۱- عناصر اصلی ساخت و اجرای موسیقی کودکان عبارت‌اند از: انواع ریتم‌ها، ملودی‌های ساده و متنوع، مضامین کلامی متنوع و قابل درک برای کودکان، استفاده از سازها و تلفیق کلام با موسیقی به طرز روان و خوانا.

۲- ملودی یا نغمه: قسمتی از اصوات موزون طبیعی یا موسیقی بدون کلام است که گاه ریتم دارد و گاه فاقد آن است.

باید با هم در تعادل وزنی باشند نه الزاماً تساوی کلمات. در هر مصراع باید حداقل یک تقطیع (/) یا برش وجود داشته باشد. کشش‌ها در زبان فارسی یکسان نیستند بلکه بر حسب اندازهٔ مصرع در حدی بسیار ظریف کم و زیاد می‌شوند.

● **اصوات مطبوع:** بنا بر تعریف عده‌ای، اصوات مطبوع محدود به صداهاى طبیعى (با منشأ طبیعت) است و گفته‌اند هر صدایی که منشأ آن طبیعت باشد و به شنوایی انسان آزار نرساند، صوت مطبوع است. البته بسیاری از اصوات مطبوع، منشأ دیگری غیر از طبیعت دارند و با ابزار مناسب تولید می‌شوند. تشخیص هر نوع صوت مطبوع یا نامطبوع، به جنس صدا، تأثیر روانی، عادت‌های شنیداری فردی و اجتماعی، مکان و زمان شنیدن صدا بستگی دارد. در این برنامهٔ درسی، منظور از صداهای مطبوع صداهایی است که صفات نظم، هماهنگی، تعادل و تعریف‌پذیری را دارند؛ مثل صدای چکیدن قطره‌های آب، دویدن اسب، آواز پرندگان، وزش باد در برگ‌های درختان، امواج دریا، خواندن خروس و صدای جوشش آب چشمه. شنیدن این صداها برای بیشتر انسان‌ها خوشایند است و در آنها آرامش و نشاط طبیعی ایجاد می‌کند.

صداهایی مثل ترمز و بوق ماشین‌ها، شکستن شیشه، انفجار ترقه، کنده شدن آسفالت با مته‌های آسفالت‌بر، به هم خوردن در و پنجره و... که صفات صداهای مطبوع را ندارند و اغلب آزاردهنده‌اند، اصوات نامطبوع نامیده می‌شوند.

باید توجه داشت که شدت صدای مطبوع، در محدودهٔ تحمل شنوایی انسان است؛ نه خیلی بلند و نه خیلی کوتاه و نامفهوم. به عبارتی، صدای مطبوع صدایی است که شنیدن دائمی آن برای کسی ناراحتی و مزاحمت ایجاد نکند؛ مثل صداهای طبیعت، صدای رسای گوینده اذان (مثل صدای زنده‌یاد مؤذن‌زاده اردبیلی) و صدای پرندگان.

● **تقلید صدا:** منظور از تقلید صدا، تکرار همانند صدای شنیده شده است. اصولاً تقلید صدا برای تقویت‌شنوایی، درک، شناخت و تشخیص بهتر اصوات و نغمه‌ها^۲ مفید است. این ویژگی، به طور آگاهانه خاص انسان است اما در هیچ شرایطی نباید کودکان را به تقلید صدا مجبور کرد.

۱- صدا نتیجهٔ حرکت ارتعاشی جسم مادی در هواست که امواج آن به وسیلهٔ گوش دریافت و ادراک می‌شود. صداهایی که ارتعاشات نامنظم دارند، صداهای

غیرموسیقایی و صداهایی که ارتعاش منظم دارند، صداهای موسیقایی‌اند.

۲- صدا همهٔ امواجی است که ما با گوش و در محدودهٔ شنوایی‌مان می‌شنویم. تمامی اصوات موجود در طبیعت که برخاسته از ارادهٔ خداوندند، صداهایی مطبوع

هستند. انسان می‌تواند صداهای مطبوع و نامطبوع (سازنده و مخرب) تولید کند اما از آن‌جا که خدای باری تعالی همه چیز را به صلاح انسان و سایر مخلوقات می‌خواهد، بالطبع تمامی اصوات در طبیعت نیز به‌طور بنیادین، مطبوع مطلق‌اند.

ب) فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان

آنچه دانش‌آموزان انجام می‌دهند تا به اهداف کلی درس هنر در بخش تربیت شنوایی برسند، با عنوان فعالیت‌های یادگیری آمده است. ابتدا برای سهولت اجرای این برنامه، به معلم توصیه‌هایی می‌شود تا او بتواند فرصت‌های یادگیری مناسبی را برای دانش‌آموزان فراهم آورد.

توصیه‌هایی برای اجرای فعالیت‌های یادگیری

هنگام مثال آوردن از اصوات موزون و نیز شنیدن آنها، فقط از سرودهای معرفی شده در «برنامه درسی هنر» استفاده کنید.

فضای کلاس را طوری نگه دارید که فعالیت به برنامه‌ای تفریحی و بدون کنترل تبدیل نشود و جدیت و خشکی آن نیز کودکان را از این درس هنری دل‌سرد نکند.

اگر تشخیص می‌دهید که تقسیم کردن یک سرود به قطعه‌های کوتاه برای یادگیری دانش‌آموزان مفیدتر است، می‌توانید این کار را انجام دهید و بعد از این که دانش‌آموزان مهارت لازم را به دست آوردند، سرود را به طور کامل (فردی و گروهی) اجرا کنند.

مراقبت کنید که تمامی دانش‌آموزان سرودهای نوار را با صدای متوسط^۱ - نه خیلی قوی و نه خیلی ضعیف - بخوانند و شدت صدایشان با یکدیگر هماهنگ باشد.

در هنگام استفاده از ضبط صوت، آن را در محل مناسبی قرار دهید و اندازه صدای آن را ثابت نگه دارید. در این صورت، شدت صدا برای همه کلاس یکسان خواهد بود و هر دانش‌آموز سعی می‌کند به آن گوش کند.

همیشه از وزن آرام و سنگین، با سرعت کم شروع کنید و سپس با تمرین، کم کم به سرعت اصلی سرود برسید. زبان رسمی - ملی و زبان معیارآموزشی در کشور ایران فارسی است. شعرها و سرودها به این زبان تمرین می‌شود اما در صورت لزوم، شما می‌توانید از شعرهای محلی با لهجه‌های بومی (با دقت در سلامت محتوای شعر) استفاده کنید؛ چرا که گویش‌های گوناگون و متنوع در ایران اسلامی دارای اهمیت فرهنگی، حرمت قومی و جذابیت‌های ذاتی در هنرهای شنیداری اند و احترام گذاشتن به آنها از مصداق‌های حفظ میراث فرهنگی است.

۱- به طور کلی، صدای افراد بر حسب جنسیت (زن یا مرد) به سه دسته تقسیم می‌شود: صدای بم، صدای متوسط و صدای زیر. اگر هر سه دسته صدا را در کلاس داشته باشیم، محیط ایده‌آلی برای خواندن سرود و ترانه فراهم می‌آید؛ چرا که مجموعه این صداها هماهنگی (اتفاق - هارمونی) مطلوبی به وجود می‌آورند.

از ورود هر گونه صداسازهای الکترونیک از قبیل ارگ، گیتار برقی، سینتی سائزر، ویولن الکترونیک و ... به کلاس، خودداری کنید. این وسایل علاوه بر این که به جریان تربیت شنوایی کمک نمی کنند، ذهن و گوش دانش آموزان را نیز ضایع می سازند و مانع تربیت شنوایی دانش آموزان، که از اهداف مهم این دوره است، می شوند.

هنرهای شنیداری مانند موسیقی، ماهیتی کاملاً انتزاعی (غیر عینی) دارند و تابع شرایط زمان و مکان اند. بسیار امکان دارد یک قطعه پس از چندین بار شنیدن، احساس ها و نظرهای متفاوتی را در فرد ایجاد کند. بگذارید کودکان احساس خود را به راحتی بیان کنند. هدف، کمک به دانش آموزان برای تمرکز، تفکر، مشارکت در جمع و انجام کارگروهی، بیان و اظهار وجود است.

جدول فعالیت های یادگیری دانش آموزان

ردیف	پایه های اول، دوم و سوم		پایه های چهارم، پنجم و ششم	
	عنوان	فعالیت های یادگیری دانش آموزان	عنوان	فعالیت های یادگیری دانش آموزان
۱	ارتباط با طبیعت	آشنایی با صداهای مطبوع	تشخیص ضرب آهنگ صدای سازهای کوبه ای	آشنایی با طبل به عنوان نمونه ای از سازهای کوبه ای
		تشخیص صدا و منبع آن، تقلید صدا		بازدید از کارگاه ساخت طبل یا دیدن فیلم آن
۲	آواخوانی	سرودهای با هم بخوانیم ۱، ۲ و ۳		ساختن طبل و تولید صدا با طبل های دست ساز و مقایسه صداها
		خواندن سرود جمهوری اسلامی ایران	سرودخوانی	خواندن سرود جمهوری اسلامی ایران
۳	آشنایی با ریتم	قدم رو		خواندن شعر و سرود
		تولید صدا با لیوان های آب		وزن خوانی بر اساس تقطیع اشعار

فعالیت های فردی دانش آموزان

* فعالیت اول

- ۱- دانش آموزان به طور منظم و هماهنگ با کف دست روی میز ضربه بزنند.
- ۲- کیف های خود را روی میز بگذارند و به همان ترتیب روی میز ضربه بزنند.
- ۳- دو صدای حاصل را با هم مقایسه و درباره اختلاف آنها گفت و گو کنند.
- ۴- دانش آموزان را به تفاوت صداها (صداهای خفه و صداهای باز) در موقعیت های مختلف توجه دهید.
- ۵- از دانش آموزان بخواهید صداهای مورد نظر را با کلمات دلخواه توصیف کنند، مثلاً صدای باز، صدای بزرگ، صدای خفه، صدای از ته چاه و صدای خشک فلزی. با در نظر گرفتن حد فهم دانش آموزان، به آنها در پیدا کردن کلمات مناسب کمک کنید تا صداها در ذهنشان دسته بندی شوند.

❖ فعالیت دوم

- ۱- فیلم‌هایی از مراسم اصیل عزاداری عاشورای حسینی و شادی‌های اقوام مختلف را در کلاس نشان دهید.
- ۲- نام سازهای کوبه‌ای که در این فیلم‌ها نواخته می‌شوند را به دانش‌آموزان بگویید.
- ۳- دانش‌آموزان هماهنگ با ریتم‌هایی که در فیلم می‌شنوند، به آرامی روی میز ضربه بزنند و اشعار را تکرار کنند.
- ۴- مراقبت کنید صدای دانش‌آموزان با همان پرده‌ها و فواصلی که در فیلم شنیده‌اند، منطبق باشد (دقت در این امر به صورت حسی امکان‌پذیر است). همچنین، توجه کنید محتوای اشعار و نیز آواز و صدای خود را تغییر ندهند.

❖ فعالیت سوم

- ۱- برای آشنایی با روش کار در کارگاه‌های صنایع دستی، فیلم یا عکسی از یک کارگاه ساخت طبل را به دانش‌آموزان نشان دهید یا برنامه‌ای برای بازدید از کارگاه ساخت طبل را اجرا نمایید.
- ۲- دانش‌آموزان در مورد مراحل ساخت طبل و تأثیر تغییر در چگونگی مواد و استفاده از آنها در صدای طبل گفت‌وگو کنند (اطلاعات ایشان در درس علوم هم می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد).

❖ فعالیت چهارم و پنجم

- ۱- دانش‌آموزان را به یکی از فروشگاه‌های صنایع دستی ببرید.
- ۲- توجه آنها را به انواع کاسه‌ها، لیوان‌ها و گلدان‌های سفالی جلب کنید.
- ۳- با کدامیک از آنها می‌توانند یک ساز کوبه‌ای بسازند؟ آن را بیابند و با آن طبل بسازند. در کاردستی (صفحه ۸۲) اجرا می‌شود.
- ۴- سازها را به نمایش بگذارند.
- ۵- درباره طبل‌هایی که ساخته‌اند، با توجه به ضخامت کاسه و جنس پوسته گفت‌وگو کنند.



فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان

✱ فعالیت اول

دانش‌آموزان را تشویق کنید :

- ۱- سرود جمهوری اسلامی ایران را کامل و صحیح بخوانند. (متن صحیح و کامل سرود را روی تابلوی کلاس بنویسید. دانش‌آموزان در صورت نیاز آن را یادداشت و حفظ کنند.)^۱ نقشه کامل، پرچم و سرود جمهوری اسلامی ایران
- ۲- شعرهای کتاب فارسی بخوانیم را با وزن‌هایی که خودشان می‌سازند، بخوانند.
- ۳- دانش‌آموزان در هر هفته یک سرود را انتخاب کنند و با ریتم بخوانند.
- ۴- مراقبت کنید که از جای صحیح صدا یا از وزن و ریتم صحیح خارج نشوند. می‌توانید سرعت اجرا را کم یا زیاد کنید.

✱ فعالیت دوم

- ۱- دانش‌آموزان به گروه‌های دوفری تقسیم شوند.
- ۲- یک نفر سرودی بخواند.
- ۳- نفر دیگر با وسیله دلخواه خود، ریتمی هماهنگ با سرود اجرا کند.

✱ فعالیت سوم

- ۱- هر هفته یکی از دانش‌آموزان را انتخاب کنید که جلوی کلاس بایستد و سرود مناسبی بخواند.
- ۲- سایرین با وسیله دلخواه خود، ریتمی هماهنگ با سرود را اجرا کنند. (طبل‌های دست‌ساز، قابل استفاده‌اند.)
- ۳- همه سعی کنند وزن قطعات را سنگین و مقرر اجرا کنند.

✱ فعالیت چهارم

- ۱- وزن خوانی براساس تقطیع اشعار را در کلاس آموزش دهید.
- ۲- آن را تکرار کنید تا همه دانش‌آموزان یاد بگیرند.

۱- درست خواندن سرود جمهوری اسلامی ایران از پایه اول ابتدایی یکی از فعالیت‌های بخش تربیت‌شنوایی بوده است.

* فعالیت پنجم

- ۱- هر يك از دانش‌آموزان ساز كوبه‌ای را كه خود ساخته است، به كلاس بياورد.
- ۲- دانش‌آموزانی كه طبل بزرگ ساخته‌اند، پنج بيت شعر عاشورایی را همراه با اجرای ساز كوبه‌ای خود به طرز صحیح و موقرانه بخوانند.

* فعالیت ششم

- ۱- شعری را با تقطیع (/) روی تابلوی كلاس بنویسید و دربارهٔ معنی آن با دانش‌آموزان گفت‌وگو كنید.
- ۲- شعر را بخوانید و در هر علامت / آهسته روی میز ضربه بزنید.
- ۳- شعر را بخوانید و از شاگردان بخواهید كه با صدای متوسط نه بلند و نه کوتاه با شما هم‌خوانی كنند.
- ۴- از تك تك شاگردان بخواهید كه شعر را با وزن و تقطیع درست بخوانند.
- ۵- به عنوان تكلیف، از دانش‌آموزان بخواهید كه موسیقی مناسبی (صرفاً با الگوبرداری از سرودها و آهنگ ترانه‌های مجاز كه با استفاده از این اشعار ساخته شده است) روی این اشعار بگذارند. تشخیص درست یا غلط خواندن شاگردان از لحاظ وزن شعر و یا آهنگ موسیقی به عهدهٔ شماست.

فصل پنجم

قصه گویی

الف) دانستنی‌های معلم

بخشی از محتوای برنامه درسی هنر، **قصه و قصه‌گویی** است. برای اجرای این بخش در کلاس، آشنایی اجمالی با ادبیات کودکان، چگونگی انتخاب قصه و آشنایی با هنر قصه‌گویی لازم است. گفتنی است که در این بخش، قصه‌ای برای انتقال فرهنگ شفاهی و ایجاد ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر در میان دانش‌آموزان است. این فعالیت با هدایت معلم شکل می‌گیرد و جریان می‌یابد. همچنین، قصه‌محملی است که با تقویت زمینه تخیل، بستر تلفیق سایر رشته‌های هنری برنامه را فراهم می‌آورد.

اهمیت قصه و جایگاه آن

قصه و قصه‌گویی خود قصه‌آشنای همه انسان‌ها در همه روزگاران و جوامع است. انسان‌ها در سفر و حضر، در غم و شادی، در تنهایی و جمع و حتی در گیرودار جنگ‌ها و بحران‌های زندگی با قصه همراه و مأنوس بوده‌اند؛ به همین علت است که قصه را هم‌زاد انسان و نخستین زمان شکل‌گیری آن را روزهای آغازین زندگی انسان در زمین می‌دانند. قصه، تنها، فاتح دنیای کودکان نیست بلکه بزرگسالان نیز در لحظه شنیدن یا خواندن قصه، درست مثل کودکان، با قصه همراه می‌شوند و صمیمیت و صفای کودکانه می‌یابند.

«در کتاب‌های آسمانی با شیوه‌ای خاص، داستان‌هایی برای عبرت، تذکر، هدایت و انذار مطرح شده است؛ تورات، انجیل و قرآن سرشار از داستان‌هایی هستند از انبیا، اقوام و تمدن‌هایی که آمده‌اند و رفته‌اند و زندگی آنها چراغ راه دیگر انسان‌ها شده است.» (سنگری، ۱۳۷۳).

«در تعریف قصه می‌توان گفت: سخن یا نوشته‌ای است از روزگاران قدیم که در آن شخصیت‌های گوناگون خیالی یا واقعی، ماجراهایی می‌آفرینند. قصه‌ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه‌ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده‌اند.» (فرهنگ‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶).

منظور از افسانه، «داستانی است که در آن انسان‌ها، جانوران، اشیا یا موجودات تخیلی، ماجراهایی گوناگون باورنکردنی به‌وجود می‌آورند. برای نمونه، در بعضی افسانه‌ها، از قالیچه یا تخت یا بال‌هایی سخن گفته شده که انسان به کمک آنها به پرواز درآمده است. اگر چه پرواز انسان با این وسیله‌ها واقعیت ندارد ولی بیانگر آرزوی انسان برای کاستن از رنج سفر و گاهی پاسخ‌گوی کنجکاوی‌های او است.» (فرهنگ‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶).

داستان «به نوشته‌ای گفته می‌شود که در آن، نویسنده فکر اصلی خود را در قالب حکایتی به خواننده ارائه دهد؛ خواه این داستان کاملاً جنبه تخیلی و غیرواقعی داشته باشد و خواه واقعیات زندگی در آن با رنگ و روغن تخیل و پرداخت نویسنده، آرایش دیده باشد.» (ایمن و دیگران، ۱۳۵۶).

در ادبیات سنتی ما، ماجراهایی کوتاه، به نثر و نظم، مستقل یا در ضمن موضوعات، در کتاب‌ها ذکر می‌شده که به آنها حکایت گفته‌اند. در کتاب‌هایی چون گلستان و بوستان سعدی، مثنوی مولانا و بهارستان جامی از این حکایات فراوان می‌توان یافت.

در اینجا، قصه عنوانی کلی برای همه سخنان یا نوشته‌هایی است که ساختی روایی همراه با حوادث و ماجراهای خیالی یا واقعی دارند و گاه کلمه‌های داستان، افسانه، حکایت و قصه به جای هم به کار می‌روند.

کارکردهای قصه برای کودکان

کودکان شیفته قصه و قصه‌گویی هستند و قصه تأثیری عمیق بر روان، زبان، رفتار و شخصیت آنها به جا می‌گذارد. برخی از تأثیرات قصه در کودکان عبارت‌اند از:

زبان آموزی؛ قصه‌ها کودک را با واژگان، اصطلاحات، نام‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... آشنا می‌سازند و از این راه علاوه بر ایفای نقشی مهم و جدی در زبان‌آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزش‌ها و اشکالات زبانی ایجاد می‌کنند. در پایان برنامه قصه‌گویی می‌توان با طرح سؤالاتی از کودکان خواست تا بگویند نام قهرمان قصه چه بوده، از کجا حرکت کرده، چه دیده، چه گفته، چه شنیده و چه انجام داده است، در قصه چه عناصر دیگری وجود داشته‌اند، چه اتفاق‌هایی افتاده، قصه چه روندی و قصه‌گو چه ویژگی‌هایی داشته است و... با طرح این سؤال‌ها در پایان قصه، به کودکان کمک می‌شود تا ضمن گفت و گو درباره فضای قصه، قهرمانان قصه و حوادث قصه، در مورد آنها عمیق‌تر بیندیشند.

انتقال مفاهیم؛ قصه به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارد، می‌تواند بسیاری از مفاهیم را به کودک منتقل کند. قصه با انتقال مفاهیم به روش غیر مستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می‌شود بلکه فهم آنها را عینی‌تر و ساده‌تر می‌سازد. مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را در قصه و گاه بدون نیاز به توضیح می‌توان منتقل کرد.

تقویت حس کنجکاوی؛ قصه‌ها به علت در برداشتن زنجیره حوادث، کودک را وا می‌دارند که به تعقیب حوادث بپردازد یا آنچه را در قصه می‌شنود، در دنیای بیرون جست و جو کند.

پرورش قدرت تخیل و خلاقیت؛ در بسیاری از قصه‌ها، عناصر تخیلی حضوری برجسته دارند و بدین ترتیب، تخیل کودک با شنیدن و خواندن قصه پرورش می‌یابد. اگر این تخیل جهت داده شود، راه برای کشف استعداد کودکان در زمینه‌های ادبی و هنری هموار می‌گردد. کودکان هنگام گوش دادن به قصه، عناصر، فضا و حوادث آن را در ذهن خویش می‌آفرینند و معمولاً خود را در قالب قهرمان قصه قرار می‌دهند. به این ترتیب، آنها حداقل تا پایان قصه غرق تخیل در آن‌اند. در پایان قصه

با طرح پرسش‌هایی می‌توان این فضای تخیل و تجسم‌خلاق را وسعت و عمق بخشید. همراهی یک نغمه مناسب نیز به وسعت دامنه و عمق تخیل کمک می‌کند. برای ثبت این فضا، که خود زمینه‌ساز بروز استعدادها و خلاقیت کودکان است، می‌توان نقاشی برای قصه، کاردستی مناسب قصه و نمایش قصه را در زمره فعالیت‌های هنری پس از قصه قرارداد.

آشنایی با واقعیت‌های زندگی؛ کودک با شرکت کردن در تجربه‌های تلخ و شیرین قهرمانان قصه، با واقعیت‌های زندگی آشنا می‌شود و روش‌های مواجهه با مشکلات را درمی‌یابد. به قول شارل پرو: «کودکان را می‌توان از طریق قصه‌های دل‌چسب و دوست داشتنی متناسب با توانایی‌های آنان با واقعیت‌های زندگی آشنا کرد.» (فرهنگ‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶).

انتقال ارزش‌ها؛ همراهی با قهرمانان قصه، باعث می‌شود که صفات، فضیلت‌ها و ارزش‌های آنان با روح و جان کودک درآمیزد. وقتی قهرمان به علت خوبی، صداقت و بخشش، مورد حسد یا ستم واقع می‌شود و سرانجام، همین ویژگی او را نجات می‌دهد، عشق‌ورزی به این ارزش‌ها، همچون بذری افشانده می‌شود و گریز و پرهیز از کسانی که زشتی‌ها و بدی‌ها را منتشر می‌کنند، نیز در وجود او بارور می‌گردد.

اصلاح رفتار؛ قصه‌ها می‌توانند به اصلاح، بهبود و تغییر رفتار کمک کنند؛ به عبارت دیگر، مقصد بسیاری از قصه‌ها عبرت‌آموزی است. تردیدی نیست که اگر در پایان قصه، باب موعظه و نصیحت باز نشود و قصه خود، آموزنده و عبرت‌آمیز باشد، چنین تأثیری را به صورت پنهان و پیدا در رفتار کودک خواهد داشت.

تعامل اجتماعی؛ اگر کودکان در جریان قصه فعال شوند و از آنها بخواهیم نظر خود را در مورد قصه و قصه‌گو بگویند، توجه و دقت شنوایی‌شان تقویت می‌شود. همچنین زمینه‌ای فراهم می‌آید که آنها با برقراری ارتباط، سخن‌گفتن و بیان احساسات، شیوه‌های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه، به‌ویژه برای کودکان خجالتی و انزواطلب بسیار کارا و مؤثر است.

پیوند فرهنگی؛ قصه‌ها عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته‌اند و کودکان با شنیدن آنها با آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها و شادی‌ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان آشنا می‌شوند. گویی قصه‌ها پلی هستند که کودکان امروز را به روزگار گذشته می‌برند. قصه‌ها نوعی آموزش تاریخی نیز هستند؛ چون از لایه لای آنها تصویری از گذشته فراروی خواننده یا شنونده قرار می‌گیرد.

نحوه انتخاب قصه

دنیای قصه، دنیایی رنگین، شیرین و دل‌پذیر است؛ دنیای آرزوها، آرمان‌ها، شادی‌ها و غم‌هاست. بهتر است بگوییم نبض زندگی و زیبایی در قصه‌های کودکان می‌تپد. بزرگ‌ترها به رشد، شکوفایی، سلامت روانی و آینده‌ای روشن و زیبا برای کودکان‌شان می‌اندیشند ولی گاه، آنچه را در این شکوفایی و بالندگی می‌تواند مؤثر باشد، نمی‌شناسند و به تحمیل دنیای خویش، احساسات و خواسته‌های خود به کودکان می‌پردازند.

هر قصه‌ای را نباید برای کودکان تجویز کرد. قصه‌های کودکان باید :

- ۱- هم‌خوان با احساسات و علایق کودکان و هماهنگ با فضای ذهنی آنان باشند. داستان‌های بزرگسالانه یا کاملاً مبتنی بر منطق بزرگسالان، کشش و جاذبه چندان برای کودکان ندارند.
- ۲- دارای ساخت داستانی مناسب کودکان باشند (مقدمه، اوج و فرود مشخص داشته باشند) تا در کودک انگیزه تعقیب ماجراها را ایجاد کنند، هیجان انگیز باشند و از منطق داستانی تبعیت کنند.
- ۳- کوتاه و جذاب باشند؛ درست است که قصه‌های پرکشش و جذاب، طولانی هم می‌توانند باشند ولی قصه کودکانه باید کوتاه باشد.
- ۴- ساده باشند و در آنها از مطرح کردن شخصیت‌های متعدد، حوادث تودرتو و طرح پیچیده و مبهم خودداری شود.
- ۵- با ظرفیت روانی مخاطب و شرایط زمانی‌ای که در آن قصه بیان می‌شود، هماهنگ باشند.
- ۶- با مخاطبان خود هم‌خوانی فرهنگی داشته باشند. ممکن است در یک قصه عناصری حضور داشته باشند که به علت ناهم‌خوانی فرهنگی، کودک نتواند آنها را درک کند و در نتیجه، جذب ذهن و روان او نشوند.
- ۷- به گونه‌ای باشد که کودک بتواند از همان آغاز، انتهای آن را حدس بزند. کودکان معمولاً چنین قصه‌هایی را دوست ندارند. البته لازم است ساختار قصه حفظ شود و مقدمه، اوج و گره‌گشایی در آن قابل تشخیص باشد.
- ۸- در مخاطب تأثیر مثبت داشته باشند و رفتارهای منفی را در او دامن نزنند؛ مثلاً در او به جای شجاعت، ترس، به جای روحیه دوستی، دشمنی و به جای بخشندگی و کمک، خودخواهی و حسادت ایجاد نکنند.
- ۹- در انتخاب قصه برای کودکان باید جهان مستقل کودکان را شناخت و به آن ارج نهاد. موضوع این قصه‌ها از واقعیت‌های زندگی نشئت می‌گیرد. این قصه‌ها کوتاه، ساده و دارای طرح‌های هنرمندانه‌اند. کودکان قصه‌هایی را می‌پسندند که شیرین و جذاب، دارای حادثه و شگفت‌انگیز باشند. آنها هم قصه‌های خیالی را می‌پسندند و هم قصه‌های واقعی را. کودکان قصه‌های عامیانه را دوست دارند. پس، در انتخاب قصه‌های بومی و منطقه‌ای به این ویژگی‌ها باید توجه کرد.
- ۱۰- اگر کتاب قصه‌ای را برای قصه‌گویی برمی‌گزینیم یا آن را در اختیار کودک قرار می‌دهیم تا بخواند، لازم است به تناسب تصویر، خط، اندازه حروف، اندازه کتاب و دیگر ویژگی‌هایی که کتاب کودک باید از آنها برخوردار باشد، توجه کنیم.
- ۱۱- اگر قرار است بعد از قصه برنامه نقاشی برای قصه اجرا شود، نباید کودکان کتاب قصه، جلد و تصاویر آن را ببینند؛ زیرا از نقاشی‌های روی جلد و داخل کتاب الگو می‌گیرند و این امر، تخیل و خلاقیت آنها را محدود می‌سازد.

مقدمات و شرایط قصه‌گویی

اگر قصه‌پردازی و داستان‌آفرینی هنر باشد، قصه‌خوانی و قصه‌گویی به شکل درست، زیبا و مؤثر به همان اندازه هنری و هنرمندانه است. چه بسیار قصه‌های موفق که قربانی عرضه بد می‌شوند و چه بسیار قصه‌های متوسط که اجرای موفق و بیان هنرمندانه، تصویری دیگر از آنها در ذهن ایجاد می‌کند. شاید مهم‌تر از قصه، قصه‌گوست. بنابراین، تمرین قصه‌گویی و تسلط بر آن، دوست داشتن قصه و قصه‌گویی، قصه‌شناسی و شناخت دنیای کودک از ضرورت‌های کار قصه‌گویی هستند. هنگامی که قصه‌گو برای قصه‌گفتن آماده می‌شود، به ارکان قصه و قصه‌گویی توجه می‌کند.

قصه‌گو باید :

- ۱- قصه را خوانده باشد؛ اگر قصه را از روی کتاب می‌گوید، حتماً از قبل با آن آشنا شود تا هنگام قصه‌گویی، درنگ‌ها، زیر و بم‌ها و فضاهای مناسب کلامی را برای قصه خلق کند.
- ۲- قصه‌ای که انتخاب می‌کند، کوتاه و ساده باشد؛ چون کودک قدرت تمرکز درازمدت ندارد و به قصه طولانی گوش نمی‌دهد.
- ۳- قصه‌ای را که خود نیز دوست دارد، بگوید؛ کودک از خطوط چهره قصه‌گو، علاقه‌مندی او را می‌خواند. احساسات قصه‌گو باید آن‌چنان باشد که کودک، علاقه، درک و فهم و لذت قصه‌گو را از بیان قصه احساس کند.
- ۴- در حین گفتن قصه، از فضای قصه بیرون نرود؛ قطع کردن قصه، گفت‌وگو با دیگران، خوردن و انجام دادن هر کار دیگری جز قصه‌گویی، سوءظن کودک را به اینکه قصه‌گو به قصه بی‌علاقه یا کم‌توجه است، بر می‌انگیزد.
- ۵- صبور و با حوصله باشد؛ شتاب برای تمام کردن قصه، به معنای بی‌علاقگی و بی‌توجهی به احساسات کودکان است. قصه‌گو باید از پاسخ دادن به پرسش‌هایی که قصه در روند خود به آنها پاسخ می‌دهد، بپرهیزد اما اگر کودکان نکته‌ای را متوجه نشده‌اند، باید آن را به شکل کوتاه و رسا توضیح دهد.
- ۶- با تغییر صدا و حرکات سر، دست‌ها و بدن، به تناسب شخصیت‌های قصه، قصه را برای شنوندگان خود هر چه جالب‌تر، شیرین‌تر و دلپذیرتر کند. در عین حال لازم است از حرکات اضافی که در جریان قصه وقفه ایجاد می‌کنند، بپرهیزد.
- ۷- از به کار بردن تکیه کلام‌های نابه‌جا که در جریان قصه‌گویی نوعی عایق به حساب می‌آیند، بپرهیزد. تکرار این تکیه کلام‌ها، ذهن را به جای تعقیب قصه، به تعقیب تکیه کلام‌ها می‌کشانند.
- ۸- با کودک رابطه عاطفی برقرار کند و فاصله خود را با او به حداقل برساند. نگاه، لبخند، ارتباط و حالات قصه‌گو، بار سنگینی را در انتقال و القای بهتر قصه به دوش می‌کشند.
- ۹- لحن و حرکات قصه‌گو در اوج قصه قوی باشد اما هر چه به انتهای قصه نزدیک می‌شود، باید لحن و حرکاتی آرامش‌بخش داشته باشد. در انتهای قصه نیز باید مراقب تأثیر قصه در روح و ضمیر کودکان باشد و به پرسش‌های احتمالی آنها پاسخ‌های مناسب بدهد.
- ۱۰- زبان و بیانی رسا داشته باشد تا فضایی بهتر و مؤثرتر بسازد.
- ۱۱- لباس مناسب بپوشد و ظاهری دل‌چسب و آراسته داشته باشد.
- ۱۲- از گفتن و خواندن قصه‌هایی که بدآموزی دارند و به خصلت‌های ناپسندی چون حسادت، دروغ‌گویی، آزار و اذیت دیگران دامن می‌زنند یا در اعتقادات درست، تردید و تزلزل ایجاد می‌کنند، بپرهیزد.

۱۳- در گزینش قصه به زمان و فضایی که در آن قصه می‌گوید، توجه کند. در این‌جا منظور از زمان، محدودیت زمان کلاس درس و منظور از فضا، کلاس، حیاط مدرسه یا هر جای دیگری است که قصه در آن‌جا گفته می‌شود.

۱۴- قصه را به شکلی مناسب شروع و تمام کند. در سنت قصه‌گویی ما، یکی بود، یکی نبود یا روزی بود، روزگاری بود، جمله‌های ورود به قصه‌اند. پایان قصه‌ها نیز مهم است. معمولاً قصه ما به سر رسید، کلاغه به خونه‌ش نرسید، حسن ختام بسیاری از قصه‌های کودکان ایرانی است. قصه‌گو به ابتکار خود می‌تواند از این جمله‌ها یا هر جمله مناسب دیگری بهره بگیرد.

۱۵- با درنگ و سکوتی کوتاه مدت، پس از عبور از یک حادثه داستان یا در موقعیت مناسب، به نوعی ذهن کودک را فعال کند. سکوت، لحظه بیهودگی برای کودک نیست بلکه لحظه فعال شدن ذهن است تا به آنچه شنیده است یا خواهد شنید، بیندیشد و آنچه را دوست داشتنی است، مزه‌مزه کند.

در کلاس هنر معلم شرایط را به گونه‌ای فراهم می‌سازد که هر یک از دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی چند مرتبه فعالیت‌های قصه‌گویی را ارائه دهند و تجربه‌هایی کسب کنند؛ یعنی، در مقابل کلاس بایستند و قصه یا خاطره خود را برای دوستانشان تعریف کنند. بدیهی است در اجرای این برنامه‌ها، دانش‌آموزان گوشه‌گیر، درون‌گرا و خجالتی بیش از دیگران مورد توجه قرار دارند. این‌گونه کودکان در صورتی که در مقابل جمع قرار بگیرند، جمع را مخاطب قرار دهند و خاطره یا قصه‌ای هر چند کوتاه را تعریف کنند، کم‌کم برقراری ارتباط با دیگران را یاد می‌گیرند و می‌آموزند که فکر، احساس و خواسته‌هایشان را به شکلی زیبا برای دیگران مطرح کنند.

برای ایجاد چنین شرایطی لازم است معلم کلاس را آماده کند. دانش‌آموزان را به سکوت فرا خواند و یادآوری کند که پس از پایان قصه یا خاطره، ابتدا همه در باره حوادث آن گفت‌وگو خواهند کرد. سپس در مورد چگونگی تعریف کردن قصه یا خاطره صحبت می‌کنند و نظر و پیشنهاد خود را برای بهتر شدن کار دوستشان می‌گویند. پیش از شروع قصه هر یک از دانش‌آموزان در جایی از کلاس که دوست دارد، می‌نشینند. سکوت برقرار می‌شود. قصه‌گو (یا گروه قصه‌گو) در مقابل کلاس می‌ایستد یا می‌نشیند. همه به او توجه می‌کنند و او قصه یا خاطره را شروع می‌کند.

قصه‌گو قبلاً قصه یا خاطره خود را با معلم در میان می‌گذارد و به تأیید می‌رساند. همچنین، افرادی را که باید با او همراهی یا همکاری کنند، انتخاب می‌کند و همگی برای ارائه قصه یا خاطره آماده می‌شوند.

بهتر است همه دانش‌آموزان کلاس در اجرای قصه یا خاطره همکاری کنند. برای مثال، اگر قصه در جنگل اتفاق می‌افتد، باد می‌آید و باران می‌بارد، در زمان لازم، همه دانش‌آموزان با هم صدای باد و باران را تقلید کنند. به این ترتیب، فضای قصه بهتر ساخته می‌شود، همه دانش‌آموزان در اجرای قصه مشارکت دارند، قصه‌گو و سایر مجریان هم نقش‌های خود را بهتر اجرا می‌کنند.

بنابراین، می‌توان گفت ارکان قصه‌گویی عبارت‌اند از :

۱- انتخاب قصه مناسب

۲- آمادگی قصه‌گو و همراهان او

۳- استفاده به جا از تغییر صدا، حرکات سر، دست‌ها و بدن، به تناسب شخصیت‌ها و حوادث قصه

۴- برقراری ارتباط عاطفی با شنوندگان از طریق نگاه و لبخند

۵- مشارکت شنوندگان قصه.

دانش‌آموزان از پایه اول قصه‌گویی و تعریف خاطره را تجربه کرده‌اند. پس انتظار می‌رود که در پایه‌های چهارم و پنجم و ششم همه آنچه را در صفحات پیشین درباره ویژگی‌های قصه و قصه‌گو گفته شد، رعایت کنند اما چنانچه هنگام قصه‌گویی کاستی‌هایی در رفتار آنها دیده می‌شود، باید آنان را به‌طور غیرمستقیم راهنمایی و هدایت کنید تا به جبران کاستی‌های خود بپردازند. یکی از روش‌های مناسب برای این توجه دادن، یادگیری مشارکتی است. دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک و در کنار هم کلاسی‌هایی که توانایی بیشتری دارند، به رفع نقایص و بهبود روش‌های خود می‌پردازند.

ب) فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان

مجموعه فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان در ساعت درس هنر انجام می‌دهند تا به اهداف کلی درس هنر در بخش «قصه و قصه‌گویی» برسند، با عنوان فعالیت‌های یادگیری آمده است. برای سهولت اجرای این برنامه به معلم توصیه‌هایی می‌شود تا او بتواند فرصت‌های یادگیری مناسبی را برای کلاس فراهم آورد.

توصیه‌هایی برای اجرای فعالیت‌های یادگیری بخش قصه‌گویی

- ۱- در انتخاب قصه، ویژگی‌های قصه مناسب برای کودکان را در نظر داشته باشید.
- ۲- در هنگام قصه‌گویی و تعریف خاطره، مقدمات و شرایط قصه‌گویی را فراهم آورید.
- ۳- هر یک از دانش‌آموزان را دست‌کم یک مرتبه برای اجرای فعالیت‌های این بخش دعوت کنید.
- ۴- وقتی دانش‌آموزی قصه می‌گوید، در رفتارهای کلامی و غیرکلامی او دقت کنید و با تشویق و راهنمایی‌های به موقع خود، این رفتارها را قوت بخشید.
- ۵- در جلسات قصه‌گویی، پس از پایان هر قصه با طرح چند سؤال، دانش‌آموزان را به گفت‌وگو درباره قصه و قصه‌گو یا گروه قصه‌گویان تشویق کنید.
- ۶- مراقب باشید که همه دانش‌آموزان در پرسش و پاسخ‌های بعد از قصه فعالانه شرکت کنند. این مشارکت، علاوه بر عمق بخشیدن به فضا و مفاهیم قصه، دامنه تخیلات آنها را وسعت می‌بخشد.
- ۷- دانش‌آموزان از پایه اول تا سوم ضمن بازی‌هایی که انجام داده‌اند، کنترل صدا، اجرای حرکات و نشان دادن حس خود و همچنین دقت به محیط اطرافشان را یاد گرفته‌اند. از پایه چهارم هم به مرحله‌ای رسیده‌اند که می‌توانند به طور مستقل قصه بگویند و همراه با آن به ایفای نقش بپردازند.

جدول فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان

ردیف	پایه عنوان	فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان				
		اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
۱	قصه‌گویی	قصه‌گویی	قصه‌گویی	قصه‌گویی	قصه‌گویی همراه با اجرای نقش	قصه‌گویی همراه با اجرای نقش
		قصه‌گویی همراه با تقلید صداها	قصه‌گویی همراه با تقلید صداها و حرکات	قصه‌گویی همراه با اجرای نقش	نوشتن قصه و خاطره	نوشتن قصه و خاطره
		*	کامل کردن قصه ناقص	کامل کردن قصه ناقص	کامل کردن قصه ناتمام (فی‌البداهه)	*
۲	تعریف خاطره	تعریف خاطره	تعریف خاطره همراه با تقلید صداها و حرکات	تعریف خاطره همراه با اجرای نقش	تعریف خاطره همراه با اجرای نقش	تعریف خاطره همراه با اجرای نقش
۳	تصویر خوانی	با مشاهده یک تصویر	با مشاهده چند تصویر	با مشاهده یک یا چند تصویر	*	*
۴	تبدیل قصه به نمایش‌نامه	*	*	*	*	تبدیل خاطره، قصه یا شعر به نمایش‌نامه

فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان پایه چهارم :

قصه‌گویی همراه با اجرای نقش

در اجرای این برنامه، دانش‌آموزان قصه می‌گویند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد قصه‌های کوتاهی را که از مادر بزرگ یا پدر بزرگ خود یا افراد دیگر شنیده‌اند، همراه با اجرای نقش‌ها (تغییر صدا و تقلید حرکات متناسب با شخصیت‌های قصه) در کلاس برای دوستان خود تعریف کنند. لازم است معلم بر انتخاب قصه نظارت کند و در این مورد دقت کافی

ابزار و مواد مورد نیاز	فضای آموزشی	نوع فعالیت	زمان فعالیت	نوع ارزشیابی
×	حیاط یا کلاس	فردی و گروهی	یک جلسه	فرایندی و پایانی

مراحل اجرا

- ۱- دانش‌آموزان را برای گوش دادن به قصه آماده کنید.
- ۲- قصه‌گو یا گروه قصه‌گویان را برای اجرای قصه دعوت کنید^۱.
- ۳- پیش از اجرای قصه، از دانش‌آموزان بخواهید برای شرکت در گفت‌وگوی پایان قصه آماده باشند. فضا و عناصر قصه و نیز گرما یا سرمای هوا، وزش باد، ریزش باران و ... را در ذهن خود تجسم کنند، به تناسب قصه، بوی علف یا دریا، خشکی و گرمای کویر یا ... را به خاطر بیاورند و در ذهن مجسم کنند و در مواردی که لازم است، با فرد یا گروه قصه‌گو همراهی کنند. مثلاً اگر در صحنه‌ای از قصه صدای باد می‌آید، همه در نقش باد قرار گیرند و باهم صدای باد را تقلید کنند.
- ۴- قصه‌گویی باید با اجرای نقش تلفیق شود. مراقبت کنید که فرد یا گروه قصه‌گو رفتار کلامی و غیرکلامی مناسبی داشته باشند و به موقع از تغییر صدا، تغییر حالات چهره، حرکات دست‌ها و بدن استفاده کنند.
- ۵- پس از پایان قصه، دانش‌آموزان را به پرسش و پاسخ و گفت‌وگو درباره فضا، عناصر و اتفاقات قصه تشویق کنید و بر گفت‌وگوی آنها نظارت داشته باشید.

کامل کردن قصه ناتمام (فی البداهه)

کودکان اغلب با قهرمانان قصه همانند سازی می‌کنند؛ خود را در فضای قصه قرار می‌دهند و درباره آنچه قهرمان یا قهرمانان قصه انجام می‌دهند، به تخیل می‌پردازند و به این ترتیب ماجراهای قصه را پیش‌بینی می‌کنند. کامل کردن قصه‌های ناتمام برای پرورش تخیل و خلاقیت دانش‌آموزان بسیار مناسب است. آنها برای ساختن بقیه قصه فکر می‌کنند، آنچه را به نظرشان رسیده بیان می‌کنند و بالاخره قصه را به پایان می‌رسانند.

ابزار و مواد مورد نیاز	فضای آموزشی	نوع فعالیت	زمان فعالیت	نوع ارزشیابی
×	حیاط یا کلاس یا ...	فردی و گروهی	یک جلسه	پایانی

۱- هماهنگی‌های لازم برای تأیید قصه و مدت زمان اجرا قبلاً انجام شود.

مراحل اجرا

- ۱- دانش‌آموزان را برای گوش‌دادن و ادامه‌دادن قصه آماده کنید.
- ۲- معلم یا یکی از دانش‌آموزان گفتن قصه‌ای را شروع کند و بخش کوتاهی (چند جمله) از ابتدای آن را تعریف کند.
- ۳- همه دانش‌آموزان آماده باشند؛ هریک از آنها در نوبت خود، یک جمله به قصه اضافه کند تا زمانی که نوبت به نفر آخر می‌رسد، قصه کامل شود.
- (ممکن است به بعضی افراد دو مرتبه نوبت بدهید؛ نوبت به ترتیب محل نشستن آنها نباشد تا همه آماده باشند.)
- ۴- پس از پایان قصه، دانش‌آموزان را به پرسش و پاسخ و گفت‌وگو دربارهٔ فضا، عناصر و اتفاقات قصه تشویق کنید و بر گفت‌وگوی آنها نظارت داشته باشید.

تعریف خاطره همراه با اجرای نقش

خاطره موضوعی است که برای فردی اتفاق افتاده و به دلیلی، مثلاً مهم بودن یا جالب بودن آن، به یاد او مانده است. کودکان معمولاً دوست دارند خاطره‌های خود را تعریف کنند. حتی ممکن است در تعریف خاطره غلو کنند یا خیال پردازی‌های خود را با خاطراتشان بیامیزند. خاطره می‌تواند دربارهٔ بازی، خرید رفتن با بزرگ‌ترها، مهمانی، مسافرت، مشاهده، آزمایش، امتحان و... باشد.

ابزار و مواد	فضای آموزشی	نوع فعالیت	زمان فعالیت	نوع ارزشیابی
×	حیاط یا کلاس یا ...	گروهی	یک جلسه	پایانی

مراحل اجرا

- ۱- دانش‌آموزان را برای گوش‌دادن به خاطره آماده کنید.
- ۲- قبل از ارائهٔ خاطره از دانش‌آموزان بخواهید برای شرکت در گفت‌وگوی پایان خاطره آماده باشند.
- ۳- فضا و عناصر لازم را به تناسب خاطره به‌یاد بیاورند یا در ذهن خود بسازند.
- ۴- یکی از دانش‌آموزان را برای تعریف خاطره دعوت کنید.
- ۵- تعریف خاطره باید با اجرای نقش تلفیق شود. مراقبت کنید که دانش‌آموز در هنگام تعریف خاطره، رفتار کلامی و غیرکلامی مناسبی داشته باشد و به موقع از تغییر صدا، تغییر حالات چهره، حرکات دست‌ها و بدن خود استفاده کند.
- ۶- در پایان، دانش‌آموزان را به پرسش و پاسخ و گفت‌وگو دربارهٔ فضا، عناصر و اتفاقات خاطره تشویق کنید.

نوشتن قصه و خاطره

در پایان یکی از فعالیت‌های ۱، ۲ یا ۳ از دانش‌آموزان بخواهید در گروه‌های کوچک، قصه یا خاطره‌ای را انتخاب کنند و آن را با کلمه‌ها و جمله‌های خودشان بنویسند (یک جلسه). آنها در ساعت انشا می‌توانند اثر خود را برای دوستانشان بخوانند.

فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم در بخش قصه و قصه‌گویی به شرح زیر است :

۱- **قصه‌گویی همراه با اجرای نقش؛** همانند پایه چهارم اجرا می‌شود؛ با این تفاوت که قصه متناسب با رشد دانش‌آموزان، کمی پیچیده‌تر و طولانی‌تر خواهد بود.

۲- **تعریف خاطره همراه با اجرای نقش؛** همانند پایه چهارم اجرا می‌شود؛ با این تفاوت که خاطره متناسب با رشد دانش‌آموزان، معنادارتر و پیچیده‌تر خواهد بود.

۳- **نوشتن قصه و خاطره؛** در پایان هر جلسه قصه‌گویی و تعریف خاطره، از دانش‌آموزان بخواهید جالب‌ترین قصه یا خاطره را به انتخاب خود بنویسند و سپس نظر خود را در چند سطر به آن اضافه کنند. نظر می‌تواند روی یک مورد متمرکز باشد یا چند مورد را طرح کند. برای مثال، زمان، مکان، فضا، اتفاقات و حادثه‌های مهم (به‌ویژه اوج و گره‌گشایی، ویژگی‌های قصه‌گو و...) که هر یک تحلیلی بر بخشی از قصه یا نحوه ارائه آن است (یک جلسه). آنها در ساعت انشا می‌توانند نوشته‌هایشان را برای دوستان خود بخوانند.

۴- **تبدیل قصه به نمایش‌نامه؛** دانش‌آموزان در فعالیت قصه‌گویی که از کلاس اول تاکنون داشته‌اند، تلفیق قصه با صداها و حرکات و احساسات تقلیدی را تجربه کرده‌اند. قصه‌گویی همراه با اجرای نقش را یاد گرفته‌اند و سپس قصه یا خاطره‌ای را نوشته‌اند و آن را تحلیل کرده‌اند. حالا توانایی آن را یافته‌اند که قصه خود را به نمایش‌نامه تبدیل کنند.

قصه یا خاطره‌ای که برای تبدیل به نمایش‌نامه انتخاب می‌شود، باید ساده، کوتاه و جذاب باشد، تعداد نقش‌های آن کم و اجرای نقش‌ها کوتاه باشد. این فعالیت گروهی است. البته لازم است معلم در همه گروه‌ها شرکت کند و بدون دخالت، گروه را هدایت کند. معلم در هر گروه، دستیار کارگردان است اما تصمیم‌گیری را برعهده کارگردان می‌گذارد. گفتن و نوشتن قصه یا خاطره و تبدیل کردن قصه یا خاطره به نمایش‌نامه باید در کلاس هنر انجام گیرد.

ابزار و مواد	فضای آموزشی	نوع فعالیت	زمان فعالیت	نوع ارزشیابی
×	حیاط یا کلاس یا ...	گروهی	دو جلسه	فرایندی و پایانی

مراحل اجرا

- ۱- دانش‌آموزان را برای گوش دادن به قصه یا خاطره آماده کنید.
- ۲- یک نفر قصه یا خاطره‌ای را تعریف کند و سایرین با دقت گوش کنند.
- ۳- گفت و گوی پایان قصه (بررسی قصه) را انجام دهند.
- ۴- دانش‌آموزان را برای تبدیل قصه به نمایش‌نامه آماده کنید.
- ۵- در همان گروه‌های کوچک، کار را آغاز کنند.
- ۶- هر گروه به آرامی و بدون اطلاع سایر گروه‌ها کار کند.
- ۷- هر گروه یک نفر را به عنوان نویسنده (منشی کارگردان) برای نوشتن مطالب انتخاب کند.
- ۸- قصه را به چند صحنه مهم برای اجرای نمایش تقسیم کنند.
- ۹- هر قسمت را جداگانه روی یک برگ کاغذ بنویسند. صفحه‌ها را به ترتیب، شماره گذاری کنند.
- ۱۰- اعضای گروه برای هر صحنه (هر صفحه)، درباره شکل صحنه، صداها، صحنه، افرادی که حضور دارند، لباس و حالت و وضعیت آنها، صحبت‌ها و کارهای آنها با هم گفت و گو کنند.
- ۱۱- برای هر صحنه (هر صفحه) آنچه را در گفت و گوها به توافق رسیده‌اند، در همان صفحه بنویسند.
- ۱۲- برای نوشتن گفت و گوها از علائم نقل قول در نقطه‌گذاری فارسی استفاده کنند.
- ۱۳- شما بر همه مراحل کار نظارت داشته باشید و هر گروه را جداگانه و متناسب با نیازشان راهنمایی کنید.
- ۱۴- هر گروه که نمایش‌نامه خود را کاملاً آماده کند، برای تمرین‌های نمایشی آماده است.

برای مثال، قصه بز زنگوله یا به این ترتیب به یک نمایش‌نامه تبدیل می‌شود: یک نفر قصه را تعریف می‌کند و همه دانش‌آموزان به دقت به آن گوش می‌کنند. هر گروه به دلخواه خود قصه را به چند صحنه اصلی تقسیم می‌کند. در صورتی که قصه به شش صحنه تقسیم شود، آن را در شش صفحه می‌نویسند و صفحه‌ها را به ترتیب از ۱ تا ۶ شماره‌گذاری می‌کنند.

صفحه اول؛ صحنه اول: بزغاله‌ها در کنار مادرشان با شادی زندگی می‌کنند. یک روز مادرشان تصمیم می‌گیرد برای خرید از خانه بیرون برود. پس به بچه‌ها سفارش‌های لازم را می‌کند و از خانه خارج می‌شود.

توضیح صحنه: شکل خانه خانم بزی و وسایل خانه، سن و شکل و لباس خانم بزی و هر یک از سه بچه‌اش، حالت هر یک و ...

نوشتن گفت و گوها به این ترتیب انجام می‌شود:

خانم بزی [با مهربانی و نگرانی، رو به سه بزغاله کوچک]: شنگولکم، منگولکم، ای حبه انگورکم، غذاها داره تموم می‌شه. من باید برم بازار خرید کنم. مثل همیشه حواستون جمع باشه، مواظب هم دیگه باشین، با هم بازی کنین تا من بیام. خیلی مراقب باشین تا من نیومدم هر کی در زد، وا نکنینا! خوب می‌دونین که گرگ بلا منتظر فرصته!

بچه‌ها [با ناراحتی]: مامان جون شما خیالتون راحت باشه. ما با هم بازی می‌کنیم، درم وای نمی‌کنیم تا شما بیاین!

حبه انگور [با کمی گریه]: مامانی، ما مواظبیم اما شما زود بیا. من خیلی می‌ترسم!

خانم بزی زنبیل خرید و کیف پول خود را برمی‌دارد، با بچه‌هایش خدا حافظی می‌کند و از صحنه خارج می‌شود.

صفحه دوم؛ صحنه دوم: بچه‌ها در خانه مشغول بازی هستند. گرگ به سراغ آنها می‌آید و در خانه را می‌زند.

صفحه سوم؛ صحنه سوم: بچه‌ها در باره توصیه‌های مادر و باز نکردن در گفت‌وگو می‌کنند.

صفحه چهارم؛ صحنه چهارم: بالاخره، گرگ مصمم برای خوردن بزغاله‌ها برمی‌گردد و بچه‌ها را فریب می‌دهد.

بچه‌ها در را باز می‌کنند. گرگ همه را می‌خورد؛ جز یکی که پنهان می‌شود. (اوج قصه)

صفحه پنجم؛ صحنه پنجم: بزغاله‌ای که پنهان شده، تنهاست و می‌ترسد. مادرش می‌آید و از اتفاقی که افتاده است، باخبر می‌شود.

صفحه ششم؛ صحنه ششم: مادر با گرگ رو به رو می‌شود و بچه‌هایش را نجات می‌دهد. زندگی با شادی ادامه پیدا می‌کند.

دانش‌آموزان می‌توانند در گروه خود یک نفر را به عنوان راوی یا قصه‌گو انتخاب کنند و صحنه یا صفحه اول را بر عهده او بگذارند. هر صحنه را نیز با توضیح مختصر قصه‌گو شروع کنند. به این ترتیب، یک صحنه کم و سرعت کار بیشتر می‌شود.

پ) تلفیق قصه با سایر فعالیت‌های هنری

تلفیق قصه با نقاشی و کاردستی

دانش‌آموزان در همان گروه‌های کوچک یا به‌طور فردی، برای صحنه‌هایی از شعر، قصه یا خاطره‌ای که نوشته‌اند، نقاشی می‌کشند. سپس با استفاده از ابزار، مواد و روش‌هایی که در نقاشی و کاردستی تجربه کرده‌اند، برای آن جلد می‌سازند، آن را کامل و مجموعه را صحافی می‌کنند. این فعالیت‌ها که در بخش‌های نقاشی و کاردستی (صفحه ۶۴ و ۸۳) بیشتر توضیح داده شده‌است، تلفیقی از چند فعالیت هنری هستند.

تلفیق قصه با نمایش

دانش‌آموزان نمایش‌نامه خود را می‌نویسند. در همان گروه‌ها به تمرین نقش‌ها می‌پردازند و نمایش را اجرا می‌کنند.

تلفیق قصه با تربیت شنوایی

انتخاب صداها، صحنه مثل موسیقی مناسب برای هر صحنه، صدای پای مامان بزی که دور می‌شود، صدای در زدن، صدای باد، صدای جنگیدن مامان بزی و گرگ بلا، صدای ساعت، صدای تپش شدید قلب بچه‌ها در موقع حمله گرگ بلا و... تلفیق با تربیت شنوایی است.